

# مرکز ثقل اقتصاد انرژی جهانی تغییر کرد/ تغییر تجارت از حوزه آتلانتیک به اقیانوس آرام

[ad\_1]

پیامدهای فوری چنین تغییر سمتی واضح هستند؛ قیمت نفت اکنون تحت تاثیر روندها در چین قرار دارد. در چند سال گذشته قیمت‌های گاز طبیعی تحت تاثیر الگوی تقاضا در ژاپن و آسیای جنوب شرقی قرار داشته است. به گزارش اقتصاد آنلاین به نقل از ایسنا، شرقی شدن تجارت انرژی در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد اما ابعاد این تغییر اکنون موازنه قدرت و ریسک را تغییر داده است. اقتصادهایی مانند چین و هند به واردات اتکای بیشتری پیدا کرده‌اند و امنیت انرژی به یک مسئله آسیایی تبدیل شده است.

مازاد عرضه نفت قیمت‌ها را از نظر واقعی پایین‌تر از سطح ۴۰ سال قبل برده اما امنیت انرژی تضمین نشده است.

امنیت، کارکرد تجارت و وابستگی کشورها به واردات است که در مورد نفت از نقاطی صورت می‌گیرد که برای ثبات معروف نیستند.

چند حقیقت، ریسک‌ها را بارز می‌کند. پنجاه سال قبل یک بشکه در هر هشت بشکه نفت از سوی کشورهای آسیایی به مصرف می‌رسید. سال گذشته این نسبت به یک از هر سه بشکه رسید و بیشتر رشد تقاضا، با واردات تامین شد. طی یک دهه گذشته تولید در آسیا ثابت بوده در حالی که مصرف به میزان هشت میلیون بشکه در روز رشد کرده است و چین و هند بزرگترین سهم را در رشد مصرف این منطقه داشته‌اند. چین در ژوئن ۸.۷۹ میلیون بشکه در روز نفت وارد کرد در حالی که واردات هند نیز رشد کرده و مجموع کسری تجاری آسیا به نفت، در سال گذشته به ۲۵ میلیون بشکه در روز رسید.

و این تازه شروع است. چین که عمده رشد آسیا در ۲۰ سال گذشته را به خود اختصاص داده، ممکن است از اتکا به صنعت سنگین تغییر رویه دهد اما بخش خدمات و هزینه‌های مصرفی همچنان در حال افزایش است. مالکیت خودرو در چین و همچنین سفرهای هوایی احتمالاً ظرف یک دهه آینده دو برابر می‌شود. اقتصاد هند نیز رو به توسعه بوده و ظرف

پنج سال گذشته با نرخ ۷ درصد در سال رشد کرده است و تا سال ۲۰۳۰ این کشور ۱.۵ میلیارد نفر جمعیت خواهد داشت که این کشور را بازار بزرگی می‌سازد.

توسعه خودروهای برقی ممکن است نیاز به واردات نفت را محدود کند اما با نگاه واقع بینانه این اتفاق حداقل به مدت یک دهه اتفاق نخواهد افتاد. در حال حاضر تقاضای آسیا برای نفت در حال رشد است.

چالش امنیت واضح است. در وهله نخست، گلوگاه‌هایی شامل تنگه‌های مالاکا و هرمز وجود دارند. حدود ۱۷ میلیون بشکه در روز از تنگه هرمز عبور می‌کند و اکثر نفتکشها سپس به سمت شرق می‌روند. هر دو تنگه در معرض خطر بسته شدن یا مختل شدن رفت و آمد به دلیل منازعه یا اقدام تروریستی قرار دارند.

ثانیا کشورهای صادرکننده‌ای که اقتصادهایشان به نفت متکی است، بی‌ثبات هستند. لیبی، نیجریه و ونزوئلا همگی ضعیف هستند. مشکلاتی در عربستان سعودی به چشم می‌خورند. یوشکا فیشر، وزیر خارجه سابق آلمان اخیرا نوشته است که جنگ بعدی خاورمیانه احتمالا از منازعه میان عربستان سعودی و ایران برخواهد خواست. درسی که از وضعیت لیبی گرفته می‌شود این است که تغییر رژیم ممکن است به تنشهای عمیقتری منجر شود که جنگ داخلی را در پی دارد و عمده عرضه نفت را به مدت سالها قطع می‌کند.

سومین و بزرگترین ریسک برای امنیت انرژی جهانی مربوط به عملکرد کشورهای متکی به واردات در شرایط استرس بازار است. چین با برخی از صادرکنندگان مانند ونزوئلا معامله دارد که به نوبه خود برای سرمایه‌گذاری گذشته، به این کشور حق انحصاری برای تامین داده است. چنین قراردادهایی حجم عرضه در بازار آزاد را کاهش داده و بنابراین ریسک بی‌ثباتی و نوسان قیمت را افزایش می‌دهد.

همه این موارد منافع مشترک واضحی را نشان می‌دهد که چین، هند، اندونزی و سایرین را به ایجاد یک چارچوب موسسه‌ای در دهه ۱۹۷۰ به منظور حداقل کردن تاثیر بی‌ثباتی در بازار نفت جلب کرد. آژانس بین‌المللی انرژی که در سال ۱۹۷۴ تاسیس شد، در تلاشها بدین منظور محوری بوده است و با وجود منازعات متعدد مانند منازعات خاورمیانه، هیچ بحران انرژی وجود نداشته است.

بر اساس گزارش فایننشیال تایمز، آژانس بین‌المللی انرژی اقدامات متعددی برای تعامل با اقتصادهای بازارهای نوظهور انجام داده است

اما این اقدامات به حدی نبوده که کشورهایی مانند اندونزی و سنگاپور اعضای این نهاد تبدیل شوند. عضویت کامل باید به چین، هند و سایرین گسترش پیدا کند. اگر این کشورها دعوت نشوند، واکنش منطقی‌شان ایجاد آژانس‌هایی مشابه خواهد بود و همچنین توافقات امنیتی انرژی مخصوص خودشان را ترتیب خواهند داد که چنین اقدامی مضر و تفرقه‌انداز خواهد بود.

ad\_2]]

Source link